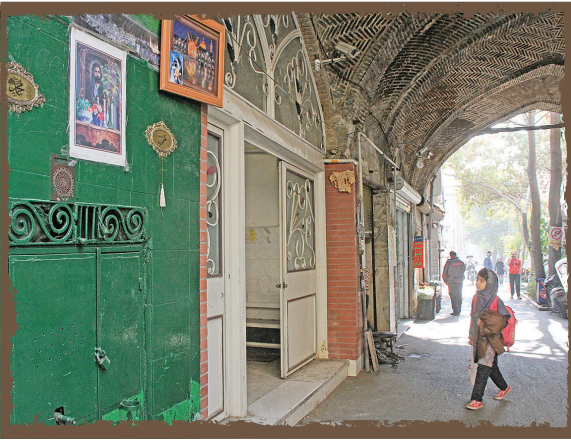




بدون شمع خانه اما همیشه نورانی



پارچه‌های سیاه و کتیبه پوشانده می‌شود. اهالی قدیمی محل به این سقاخانه ارادت قلبی عمیقی دارند و برای برآورده شدن حاجتشان به این سقاخانه می‌آیند و نذر می‌کنند. نذرهای مردم بیشتر به صورت نقدی است که در داخل سقاخانه ریخته و هر چند وقت یکبار توسط تولیت جمع‌آوری و این مبالغ صرف مرمت و دیگر مخارج این سقاخانه و افراد نیازمند می‌شود. اطلاع دقیقی درباره بانی سقاخانه وجود ندارد و اکنون هم کاسبان محل تولیت و نگهداری از این سقاخانه را عهده‌دار هستند. بازارچه نایب‌آقا با بیش از یک قرن عمر یکی از دیدنی‌های تهران است که از اواخر دوران قاجار در خیابان فروزش به جای مانده است. این بازارچه تمام ویژگی‌های یک بازار در دوران قاجار را دارد؛ از نشانه‌های آن می‌توان به طاق‌های ضربی در چهارسوق این بازار اشاره کرد. بازارچه نایب‌آقا با چوب نخل ساخته شده است و اهالی محل می‌گویند در گذشته مر سوم بود در زیر گذر نانوايي، مسجد، سقاخانه و... بسازند و این سقاخانه هم از همان دوران نخست شکل‌گیری بازارچه و گذر بنا شده است.

روی سکوی جلوی پنجره که با نرده‌های زیبا آراسته شده بود، می‌افروختند. اکنون هم به رسم گذشته در ماه‌های محرم و صفر فضای داخلی این سقاخانه با



نام: سقاخانه حاج نایب‌آقا
موقعیت: میدان وحدت اسلامی، خیابان شهید فروزش، کوچه شهید محمودیان
زیر سقف یکی از بازارچه‌های تاریخی تهران، سقاخانه حاج نایب‌آقا، هم‌نام با بازارچه، همچنان پابرجاست. این سقاخانه یکی از سقاخانه‌های قدیمی تهران به‌شمار می‌رود و به روایت ساکنان و اهالی قدیمی محل بیش از یک قرن قدمت دارد. نصرالله حدادی، تهران‌پژوه درباره شکل‌گیری این سقاخانه که زیر بازارچه نایب‌آقا در میدان وحدت اسلامی، خیابان شهید فروزش، کوچه شهید محمودیان در زیر گذر و مجاورت نانوايي قرار دارد، روایتی خواندنی را نقل می‌کند: «فضای داخلی این سقاخانه دکانی شکل است و در قدیم سنگاب ساده‌ای داشت که منبع آب آن بود؛ هر چند امروز اثری از آن نیست و به جای آن شیرآبی که متصل به آب لوله‌کشی شهری است، تشنگان زیر این بازارچه را سیراب می‌کند. برخلاف برخی از سقاخانه‌ها که در آن شمع روشن می‌کردند، این سقاخانه شمع‌خانه نداشت و افرادی که نذر شمع کرده بودند، شمع‌های خود را

ماجرای بساط شمع فروشی بچه‌های خانی‌آباد



نام: کوچه سقاخانه
موقعیت: خانی‌آباد، خیابان تختی

کوچه سقاخانه در محله تختی، کوچه‌های اطراف بچه‌هایی است که دور سقاخانه کوچه جمع می‌شدند و برای رهگذران شمع روشن می‌کردند؛ برای پیرزنی که حاجت داشت یا مردی که بیماری‌اش را بریده بود. شمع‌های سقاخانه این کوچه بی‌وقفه روشن بودند و به‌خصوص در ایام محرم محل بود شب‌ها کوچه تاریک باشد؛ سوسوی روشنی شمع‌ها تا انتهای کوچه دیده می‌شد. همین سقاخانه کوچک پشت دیوار کاهگلی باعث شده بود تا همه این کوچه را کوچه سقاخانه بنامند. علی مولایی برایمان از سقاخانه‌ای می‌گوید که همچنان نقل خاطرات آن سر زبان‌هاست: «خانه‌مان در همین کوچه سقاخانه بود. ما سال ۱۳۶۱ در این کوچه ساکن شدیم. اما سقاخانه ۴۰ سال قبل از اینکه ما به این کوچه بیاییم ساخته شده بود. ابتدای خیابان دیوار کاهگلی بزرگی داشت که متعلق به خانه مردی به نام علی آنها بود. گویا خودش این سقاخانه را سرپا نگاه داشته بود. طاق هشتی و پنجره سبزه‌نگش را هنوز به یاد دارم. درش کوچک بود و برای وارد شدن به آن باید تا کمر خم می‌شدیم. البته بچه‌ها حق ورود به آنجا را نداشتند.»
زمان، شکل و شمایل کوچه سقاخانه را عوض کرد. خانه‌ها یکی پس از دیگری تخریب شدند و جایشان خانه‌های جدید قد علم کرد. خانه دیوار کاهگلی که تکیه‌گاه سقاخانه بود نیز تخریب شد و سقاخانه هم از بین رفت.
مولایی می‌گوید: «سقاخانه در ملک شخصی قرار داشت، کاری نمی‌توانستیم انجام دهیم. باین حال خاطرات روزهایی که بچه‌های محل دور سقاخانه جمع می‌شدند و شمع می‌فروختند را فراموش نمی‌کنم. در ماه محرم، به‌خصوص روزهای آخر دهه اول، بچه‌های محله‌های دیگر هم به کوچه سقاخانه می‌آمدند تا شمع بفروشند. شمع‌ها را از یک شمع‌سازی در خیابان مولوی می‌خریدیم، ۲ تومان می‌فروختیم. از جوار دیوار سقاخانه تا واسط کوچه، بچه‌های خانی‌آباد شمع به‌دست می‌نشتند تا حاجتمندی بیاید و شمع بخرد. گاهی اگر خریدار از یافتاده و بیمار بود ما برایش شمع روشن می‌کردیم.»

یادگار قومی از شمال خراسان



نام: سقاخانه سر تخت بربری‌ها
موقعیت: بهارستان، خیابان اکباتان، جنوب عمارت مسعودیه
اهالی شمال خراسان در گذشته نه‌چندان دور که حوالی میدان بهارستان سکونت داشتند، سقاخانه‌ای به نام خودشان بنا کردند. سقاخانه سر تخت در سال ۱۱۷۵ تأسیس شده است. ناصر زینعلی، از قدیمی‌های محل، درباره قدمت و تاریخچه این سقاخانه می‌گوید: «تکیه و سقاخانه سر تخت از دیرباز از سوی اهالی خاوری‌ها یا همان بربری‌های شمال خراسان در تهران برپا می‌شد و واقف آن کربلایی محمدحسین بود. قدمت و پیشینه این سقاخانه و تکیه با هویت شهر تهران گره خورده و جزو نخستین‌های این شهر محسوب می‌شود. محله بربری‌ها در تهران و حوالی میدان بهارستان به نام سر تخت معروف بود و از ابتدای شکل‌گیری و پایتختی تهران وجود داشت. این سقاخانه غرفه یا نیم‌بایی است که به نیت سیراب کردن رهگذران در این مسیر ساخته شده و انگیزه ساختن آن، علاوه بر حس نوع‌دوستی و خدمت به عموم، بیشتر مذهبی و آیینی است. بزرگی، میزان تزئینات و اهمیت سقاخانه رابطه‌ای مستقیم با محله دارد. کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ‌بری، خاتم و

